

گزارش جلسه رشد حرفه ای : دوستی از نگاه شکوفا



از کجا شروع شد؟

مدتی بود در کلاس می‌دیدیم که بعضی از کودکان به دسته‌هایی تقسیم می‌شوند و دیگران را به گروه خود راه نمی‌دهند. پیش‌تر درباره ریشه‌های این رفتارها، نیازهایی که پشت آن‌ها پنهان است، و حتی تأثیری که واکنش‌های ما به‌عنوان مربی می‌تواند داشته باشد صحبت کرده بودیم. اما در این جلسه تصمیم گرفتیم از زاویه‌ای دیگر وارد شویم. ما این موقعیت را فرصتی دیدیم برای آنکه پیام تازه‌ای به کودکان منتقل کنیم. بنابراین مجموعه اقداماتی را در قالب یک پروژه آغاز کردیم تا کودکان تجربه کنند که:

- می‌توانند خود را در گروه‌های گوناگون ببینند
 - بر اساس ویژگی‌ها، علایق یا توانایی‌هایشان در دسته‌های متفاوت قرار بگیرند
 - متوجه شوند که بر اساس یک معیار با بعضی هم‌گروه می‌شوند و بر اساس معیار دیگر با کسانی دیگر
 - یاد بگیرند که می‌توانند از زاویه‌های مختلف ارتباط‌های متفاوتی داشته باشند.
- به بیان ساده‌تر، هدف این پروژه تقویت ارتباطات، افزایش احترام در کلاس و گسترش شبکه دوستی‌ها بود.



چه چیزی دیده بودیم؟

مربیان در جلسه به چند مورد مشترک در روابط کودکان اشاره کردند:

- بعضی کودکان با روحیه رهبری، علاقه دارند تصمیم‌ها و انتخاب‌های دیگران را هدایت کنند.
- ورود یک دوست تازه می‌تواند نگرانی‌هایی به همراه داشته باشد، مثل ترس از دست دادن دوستی قبلی.
- برخی کودکان در ایجاد تعادل میان خواسته‌های خود با خواسته‌های دوستان مختلف، دچار دشواری می‌شوند.

یک مسیر تازه

برای رسیدن به اهداف پروژه، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها طراحی شد:

۱. نقشه علایق

هر کودک علایق یا ویژگی‌های خود را (در زمینه‌هایی مثل غذا، ورزش، حیوانات یا مهارت‌ها) با عکس و نماد مشخص می‌کرد تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها در معرض دید همه قرار بگیرد.

۲. بازی‌های گروهی با ویژگی مشترک

بازی‌هایی که نیاز به گروه‌بندی داشتند، به‌گونه‌ای طراحی شدند که گروه‌ها مرتب تغییر کنند تا کودکان فرصت تجربه همکاری با دوستان جدید را پیدا کنند.

۳. محصول مشترک

پروژه‌های کوچک هنری مثل رنگ‌آمیزی یک نقاشی بزرگ یا ساختن یک کلاژ جمعی، که هر کودک بخشی از آن را انجام می‌داد و در نهایت یک محصول مشترک شکل می‌گرفت.

۴. گفت‌وگوهای روزمره

در لحظه‌های روزمره (مثل زمان میان‌وعده یا قصه‌خوانی)، فرصت‌های کوتاه و ساده‌ای برای صحبت درباره شباهت‌ها و تفاوت‌ها ایجاد شد. کافی بود مربی هوشیار باشد تا در گفت‌وگوها اشاراتی کند که بچه‌ها را به مشاهده و تحلیل روابطشان ترغیب کند.

عکس ها دیده می شوند

در رویکرد رژیو امیلیا، مستندسازی فقط برای ثبت فعالیت ها نیست؛ وقتی این کار برای کودکان انجام می شود، به ابزاری برای یادآوری و یادگیری دوباره تبدیل می شود. کودک وقتی تجربه ای را در قالب عکس یا تصویر بازبینی می کند، فرصت دارد معنای تازه ای به آن بدهد، شباهت ها و تفاوت ها را دوباره ببیند و جایگاه خود را در گروه بشناسد.

در این پروژه، مستندسازی بخشی از فعالیت ها بود و به شکل تصویری و ملموس در دسترس کودکان قرار گرفت. همین تصاویر باعث شدند بچه ها تجربه های روزمره شان از دوستی و گروه بندی را دوباره ببینند و تحلیل کنند.

از دیدگاه عصب شناسی، این مرورهای گاه به گاه، شبکه های عصبی مربوط به تعامل اجتماعی را فعال می کرد و انعطاف پذیری شناختی را در ارتباطاتشان تقویت می کرد. از دیدگاه روانکاوی هم، بازبینی تجربه های روزمره به کودکان کمک کرد تعارض های ناخودآگاهشان درباره تعلق داشتن یا کنار گذاشته شدن را در فضایی امن و آرام پردازش کنند.

برای ما مهم بود که کودک ببیند دوستی می تواند شکل ها و کیفیت های متفاوتی داشته باشد؛ بداند که گاهی به گروهی تعلق دارد و گاهی نه، و این «تفاوت» نه تهدید بلکه فرصتی برای رشد است. او همچنین تجربه کرد که حتی با کسانی که دوست صمیمی اش نیستند هم می تواند شباهت هایی پیدا کند و از همین پیوندهای کوچک و غیرمنتظره لذت و بهره ببرد. مستنداتی که در این پروژه برای کودکان فراهم شد، زمینه ای شدند برای گفت وگوهای کوتاه و ارزشمند درباره همین موضوعات در جریان روزمره کلاس.



www.shokoufchildhood.ir

shokoufchildhood



شک — وفا —

جمع بندی

شاید ما نتوانیم همیشه مانع دسته بندی ها یا انحصار طلبی کودکان شویم، اما می توانیم فضایی بسازیم که در آن یاد بگیرند هر تفاوتی فرصتی برای شناخت و ارتباط است. تجربه این پروژه به ما نشان داد که کودکان وقتی فرصت بازاندیشی و دیدن دوباره لحظه های کوچک دوستی را پیدا می کنند، **انعطاف** بیشتری در روابطشان نشان می دهند. پرسش ما در پایان این مسیر همچنان باز است: فردا در کلاس، چه شباهت یا تفاوت تازه ای می توانیم پیدا کنیم که پلی برای یک دوستی یا ارتباطی دیگر باشد؟